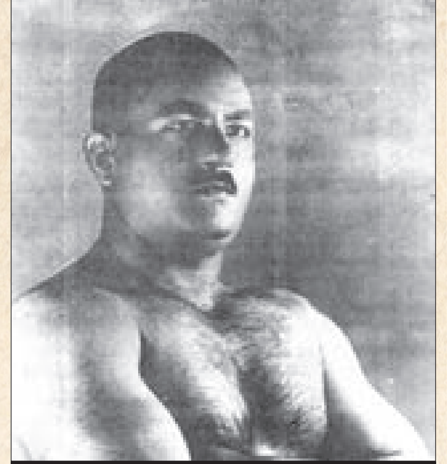
حاج حسن اردکانی - داش مشدی معروف مشهد

نوچه های شعبان جعفری مقابل منزل آقای مصدق در روز کودتا - تهران

اتاق مصدق ۵ ساعت پس از پیروزی کودتا

کودتای ۲۸ مرداد به روایت مشهد

ماجرای تلخ‌ترین رویداد سیاسی دهه ۳۰ در ایران که بخشی از آن در این شهر رقم خورد

هما سعادتمند | ۲۴ روز پس از ملی شدن صنعت نفت در سال ۱۳۲۹، درست در روزهایی که بهار هنوز پیراهن گلدارش را بر تن درختان شهر قواره می کرد، نخستین و بزرگ ترین واکنش مردمی مشهد در حمایت از ملی شدن صنعت نفت رخ داد؛ مردم ۲۳ فروردین سال ۱۳۳۰ در تظاهراتی شرکت کردند که بیش از هر چیز، پرچم به اهتزاز درآمده در آن، با این جمله جلوه گری می کرد: «مردم خراسان در پاسخ به پیام حضرت آیت‌ا... کاشانی، ملی شدن صنعت نفت را به عموم مردم ایران تبریک می گویند.» پس از این تظاهرات تا مرداد ۱۳۳۲ که دولت مصدق سرنگون می شود، مشهدی ها تقریبا هر ماه شاهد برگزاری چند تجمع، تظاهرات و «میتینگ» هستند، آن هم متینگ‌هایی که در حمایت از دولت آقای نخست‌وزیر برپا می‌شده است. در این ایام همچنین احزاب و گروه‌های سیاسی بسیاری فعالند و با انتشار تفکرات خود از میان طبقات مختلف اجتماعی به نفع خودشان یارگیری می کنند. علاوه‌بر این، ایران این روزها «دوران طلایی مطبوعات» را تجربه می کند؛ روزنامه‌های موافق و مخالف بسیاری هستند که هر روز مقالات خوش آب‌ورنگی را به‌منظور روشنگری مردم چاپ و منتشر می کنند، به‌طوری که طبق ادعای «روزنامه نور ایران» در خرداد سال ۱۳۳۵ و در دوران حکومت مصدق، تنها در مشهد ۸۰ امتیاز روزنامه وجود داشته که از این تعداد، ۳۶ نشریه آن به‌صورت روزانه یا هفتگی منتشر می‌شده است. در این جو سیاسی هر اتفاقی می تواند رخ دهد اما شاید تا عصر روز ۲۸ مرداد هیچ کس گمان نمی کرده افرادی که صبح با شعار «زنده‌باد مصدق» به خیابان ریخته بودند، غروب نشده فریاد «مرده‌باد مصدق» در دهانشان بچرخد و به این سرعت، تغییر جهت بدهند؛ تغییری که بسیاری از تاریخ‌دانان، آن را یکی از رویدادهای شگفت‌انگیز تاریخ معاصر مشهد و شهرستان‌ها می‌دانند. عجیب‌تر اینکه در این تغییر، بیش از آنکه ردپای حزب‌های سیاسی و روزنامه‌های راست و چپی به‌چشم بخورد، پای گردن‌کلفتی مشتی لومپن در میان است. گزارش پیش‌رو نقبی است بر آنچه در خیابان‌های مردادی مشهد سال ۱۳۳۲ رخ داد؛ روزی که گردانندگان انگلیسی این رویداد، آن را به‌نام «روز عملیات آژاکس» می‌شناسند.

کودتایی که ابتدا شکست خورد

در مرداد سال ۱۳۳۲ دو کودتای بزرگ در سراسر ایران رخ می‌دهد که یکی از آن‌ها در سحرگاه ۲۵ مرداد و دیگری، ۳ روز بعد از آن اتفاق می‌افتد اما کمی قبل از این دو رخداد در ۱۹ مرداد، مردم سراسر ایران در رفراندومی شرکت می‌کنند که قرار است سرنوشت ابقا یا انحلال مجلس هفدهم را تعیین کند. این رفراندوم در مشهد مانند دیگر شهرها به‌صورت تفکیکِ موافق از مخالف برگزار می‌شود؛ یعنی برای هرکدام از این گروه‌ها، صندوق‌های آرایی در دو مکان مختلف، تعبیه شده بود تا موافقان و مخالفان از هم تمیز داده شوند. این امر موجب می‌شود مخالفان انحلال مجلس نتوانند از روی ترس در پای صندوق حاضر شوند. ۵ روز بعد از رفراندوم، کودتایی در سحرگاه ۲۵ مرداد علیه دولت مصدق شکل می‌گیرد اما دیری نمی‌پاید و با شکست همراه می‌شود.

دکتر یوسف متولی حقیقی، استاد دانشگاه، در کتاب «تاریخ معاصر ایران» این طور می‌نویسد: «بعد از انتشار خبر کودتای نافرجام ۲۵ مرداد توسط رادیو تهران مردم مشهد به هیجان آمده، تظاهرات خود را شروع کردند. در ساعت ۹ صبح، هواداران احزاب «ایران نیروی سوم»، «پان ایرانیست‌ها»، «جمعیت آزادی مردم ایران» به‌همراه گروه‌های زیادی از مردم عامی به‌سمت اداره پست‌وتلگراف در خیابان ارگ حرکت کردند، درحالی که در پیشاپیش این جمعیت، عکس‌های بزرگی از دکتر مصدق قرار داشت. این تجمع پس از سخنرانی‌هایی در حمایت از مصدق و مخابره تلگرام‌هایی به تهران در ابراز تنفر از کودتاچیان به پایان رسید. همچنین در این روز به‌دستور امامی، استاندار خراسان، عکس شاه را از ساختمان استانداری ...

ترس از بی‌نظمی و به‌ویژه ترس از حاکمیت کمونیست‌ها را در بین مردم تشدید می‌کند. این شرایط، کارگردانان کودتا در تهران را تشویق می‌کند تا یک‌بار دیگر بخت خود را برای انجام وظایف دیگر بیازمایند؛ همین امر موجب می‌شود که نقشه جدیدی برای سرکوبی دولت مصدق بکشند و شورشی علنی را با کمک بخشی از ارتش، گروهی از اوباش تهران به رهبری کسانی چون «طیب حاج‌رضایی» و نوچه‌های «شعبان جعفری» معروف به «شعبان بی‌مخ»، زنان اجیرشده محله شهر نوی تهران (محله روسپی‌ها در زمان پهلوی) راه بیندازند. در ادامه نیز ارتش با حمله به مقر نخست‌وزیری و دستگیری مصدق و تبریک نخست‌وزیری فضل‌ا... زاهدی و اعلام حکومت‌نظامی در شهر، به عمر مردمی‌ترین دولتِ تمام تاریخ ایران تا آن روز، خاتمه می‌دهد.

داش‌مشتی‌های صحنه‌گردان

جمشید قشنگ، کارشناس بخش تاریخ شفاهی کتابخانه آستان قدس رضوی، که پیش از این معلم گروه تاریخ دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد بوده و پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود را با محوریت کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ در مشهد تنظیم کرده‌است، در گفت‌وگوهایش با افراد و طبقات مختلف آن روزگار مشهد، توانسته است تصویری نزدیک به واقعیت را از محلات مختلف شهر در آن روزگار ترسیم کند. او شرح آن روز را این طور توصیف می‌کند: «صبح روز ۲۸ مرداد در تهران، گروه دست‌نشانده شعبان بی‌مخ و زنان شهر نو از ابتدای صبح، شعار «مرگ بر مصدق» را توی گلو انداخته بودند اما در مشهد و سایر شهرستان‌ها شعار، همچنان «زنده‌باد ...

ماجرا از این قرار است که حوالی ظهر آن روز، حاج میرزا احمد کفایی که از طرفداران شاه و مخالفان دولت مصدق بود، از کودتای رخ‌داده در تهران آگاه می‌شود و حاج حسن اردکانی را - که در آن روزگار یکی از داش‌مشتی‌های پایین خیابان بود - اجیر می‌کند تا با نوچه‌ها و دیگر لات‌ها به خیابان بریزد و صحنه‌گردان ...

۱۰ صبح ۲۸ مرداد ۱۳۳۲: یا مرگ یا مصدق

...

به گفته متولی حقیقی، این دست اقدامات، هرج‌ومرج محسوسی را در فاصله روزهای ۲۵ تا ۲۸ مرداد در مشهد رقم می‌زند و احساس ناامنی، ...

در آن دوره وسایل ارتباطی چندانی وجود نداشت و خبرها با تاخیر به شهرستان‌ها مخابره می‌شد، مردم از رویدادهای تهران بی‌خبر بودند.

... ۵۰ تا ۶۰ نفر از کودکان عریان و گدا، حدود ۲ هزار سرباز و استوار با لباس شخصی، حدود ۱۰۰ نفر لجاره و افراد بی‌مایه و بی‌هدف شکل گرفته بود که ...

... می‌رسید، دور حاج حسن اردکانی جمع بودند و او خودش همه‌کاره بود. من همراه آن‌ها پیاده ...

روز تخریب اموال عمومی

۱۲ ظهر روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، «پیش‌به‌سوی مصدق، زیر پتوی مصدق»

۲:۳۰ روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، دولت مصدق سقوط کرد

اگر همراهش نمی‌شدم کلکم را می‌کند

... دور نفت را ملی کرد، سقوط می‌کند و به تاریخ می‌پیوندند.

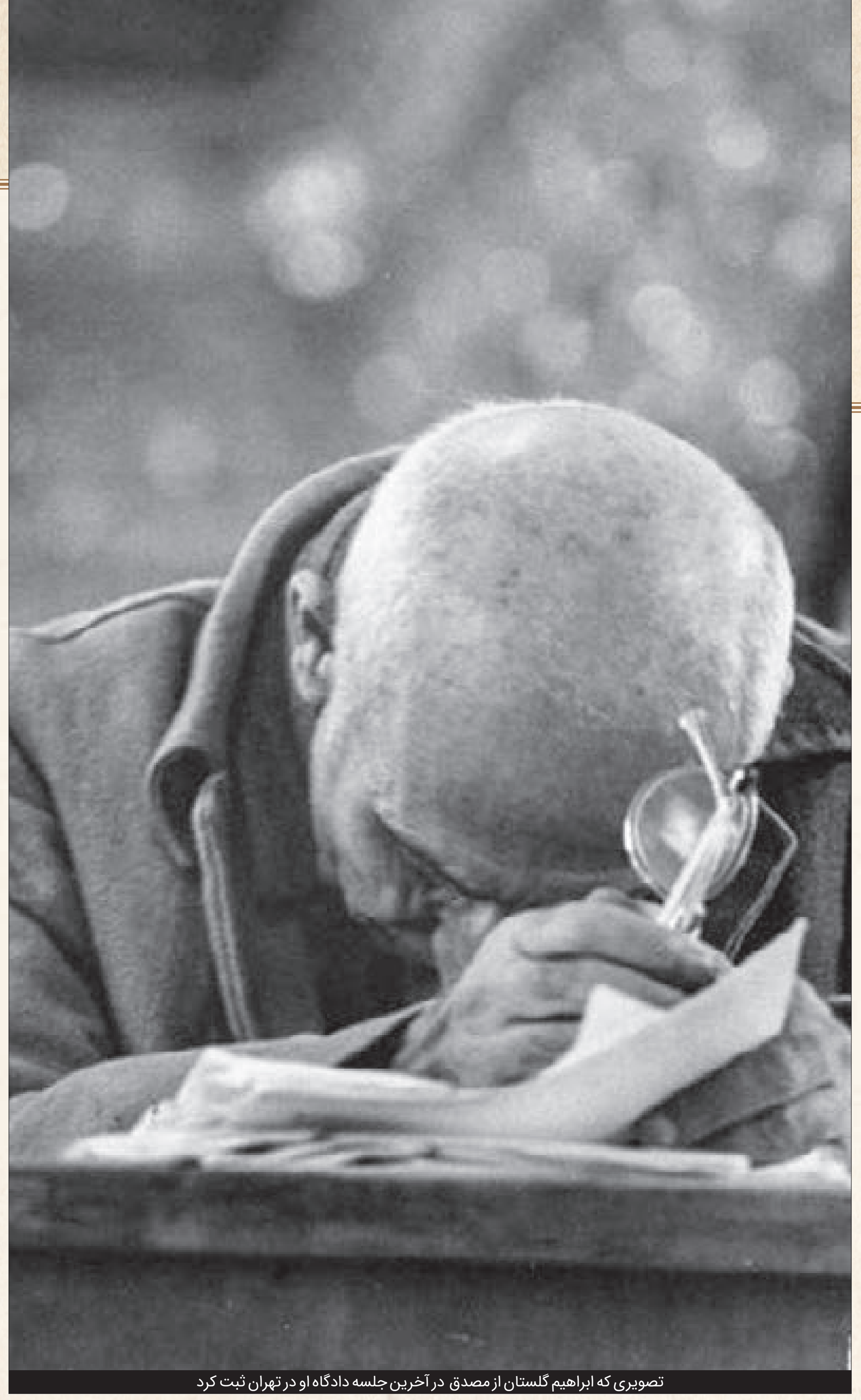
تصویری که ابراهیم گلستان از مصدق در آخرین جلسه دادگاه او در تهران ثبت کرد

به روایت شاهدان عینی

این کیه؟ مصدقه، مصدقه...

توی میدان مجسمه بودم که دیدم مردم دور موشی جمع شده‌اند. یکی موش را با نخ بسته بود و دیگری حیوان بیچاره را با چوب می‌زد و می‌گفت: «این کیه؟» مردم هم در جوابش فریاد می‌زدند: «مصدقه، مصدقه». یک ساعت تمام شاهد این ماجرا بودم و همان جا شعار زننده «مصدق موش شده و...» را شنیدم. غروب بود که حوالی خیابان عشرت‌آباد عده‌ای را دیدم که مبل و میز روی دوش داشتند و هر یک به سمتی می‌رفتند. آن‌ها می‌گفتند که این وسایل را از دفتر حزب‌های مختلف در خیابان ارگ برداشته‌اند.

رحیم غفوری

این‌ها را بگیر که غنیمت است

اوایل شب ۲۸ مرداد سال ۳۲ بود که یکی از دوستانم با ۲ کیسه کتاب به خانه‌مان آمد. می‌دانست که من به کتاب خیلی علاقه دارم. گفت: «این‌ها را بگیر که غنیمت است.» کیسه‌ها را باز کردم. داخلشان علاوه بر کتاب‌های متفرقه، قرآن هم بود. برای اینکه به این کتاب‌ها بی‌احترامی نشود و احیانا بتوانم بعدها آن‌ها را به صاحبشان پس بدهم ۲ کیسه را به مبلغ ۲۰۰ تومان خریدم. بعدها که از دوستم پرسیدم این کتاب‌ها را از کجا آورده است، معلوم شد که متعلق به کتاب‌فروشی برومند مقابل خیابان جنت بوده است که از جمله محل‌های غارت شده در بعدازظهر ۲۸ مرداد به حساب می‌آمد. حدود ۲ سال بعد بود که کتاب‌ها را بردم به آقای برومند تحویل دادم و پولم را گرفتم.

محمداسماعیل جاودانی

حلقه‌فیلم ولگرد در کودتای ۲۸ مرداد

در مغازه عکاسی بودم که دیدم یک‌نفر با یک لنز آپارات سینما مخصوص فیلم‌های ۳۵ میلی‌متری وارد شد. او می‌خواست آن را به مبلغ ۵۰ و ۲۰ و حتی ۱۵ هزار تومان بفروشد. اما من گفتم این آپارات دزدی است و من نمی‌خرم، چون قیمت واقعی آن خیلی بالا بود و شاید در حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان ارزش داشت. در حیطه سبزی واقع در اواسط کوچه جوادیه در خیابان طبرسی جنوبی، حلقه‌های فیلم‌های سینما را آورده بودند که بچه‌ها روی آن‌ها می‌نشستند. حلقه‌های فیلم غارت شده نیز در معرض فروش قرار گرفته بود. ظاهرا یکی از آن‌ها فیلم «ولگرد» با شرکت ناصر ملک‌مطیعی بود. غارتگران فیلم را متری ۲ ریال می‌فروختند و قسمت‌های اصلی فیلم که عکس ناصر ملک‌مطیعی رویش دیده می‌شد، قیمت بیشتری داشت.

ابراهیم ذهبی

عکس دسته جمعی داش مشدی ها و گنده لات های مشهد در دهه ۳۰ که برخی از گردانندگان حوادث کودتای ۲۸ مرداد در مشهد بودند

مردم به آنی رنگ عوض کردند

از صبح تا ساعت یک یا ۲ بعد از ظهر تظاهرات به نفع دکتر مصدق در جریان بود. خاطرم هست در خیابان شاهرضا مردم در اتوبوس داشتند به نفع مصدق شعار می‌دادند که یک دفعه یک جیپ افسری جلوی اتوبوس پیچید. استواری از درون جیپ پیاده شد و با پارابلوم خود چند تیر هوایی شلیک کرد. مردم با ترس از اتوبوس بیرون ریختند. همین زمان بود که سروکله اوباش و گردن‌کلفت‌ها هم پیدا شد که به نفع شاه به صحنه آمده بودند. افرادی که از اتوبوس پیاده شده بودند، از ترس وارد جمعیت اوباش شدند و ناگهان شعارها عوض شد. آدم‌هایی که تا چند ثانیه قبل زنده باد مصدق می‌گفتند، ناگهان فریاد زدند: «مرگ بر مصدق». من که آن روزها هجده‌ساله بودم اصلا قاتی این جمعیت نشدم و تنها نظاره‌گر اعمال کثیف مردمی بودم که به آنی رنگ عوض کرده بودند.

ماشاءا... نیشابوری

عکس این بچه‌خوشگل را بکش پایین

زیر بازارچه روبه‌روی گرمابه سلطانی، مغازه خیاطی تقی تهرانی قرار داشت. تقی عکس شاه را روی دیوار مغازه‌اش زده بود. صبح روز ۲۸ مرداد، اسد چلب معروف به اسد چلق یکی از نوچه‌های اردکانی با دو سه لات دیگر ریختند توی مغازه تقی و گفتند که: «عکس این بچه خوشگل را بکش پایین. این عکس را کی زدی؟ اگر دوباره بیاییم و ببینیم این عکس اینجاست، مغازه‌ات را آتش می‌زنیم.» خیاط بیچاره نیز تسلیم شد و عکس را برداشت. عصر همان روز همان افراد دوباره به مغازه خیاطی آمدند و گفتند: «چرا عکس شاه روی دیوارت نیست. عکس را بزن.» بنده خدا تقی خیاط متعجب از این عملکرد، چشمی گفت و دوباره عکس شاه را به دیوار کوبید.

حاج حسین نائینی

روزشمار مهم‌ترین وقایعی که به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در مشهد ختم شد

۱۳۳۰/۱/۲۳
مردم مشهد در یک حضور بی‌سابقه تا آن روز، در نخستین تظاهرات حمایت از ملی‌شدن شیلات و صنعت نفت شرکت کردند.

۱۳۳۰/۲/۶
حدود ۲۰ هزار نفر از مردم مشهد در مسجد گوهرشاد و خواجه اباصلت تجمع کردند و به سخنرانی «افصح‌المتکلمین» گوش فرادادند. او نماینده آیت‌ا... کاشانی بود که در حمایت از ملی‌شدن صنعت نفت، سخن گفت.

۱۳۳۰/۲/۲۲
اجتماع مردم در مدرسه علمیه نواب علیه میرزا احمد کفایی. وی یکی از مخالفان ملی‌شدن صنعت نفت در ایران بود.

۱۳۳۰/۳/۲
میتینگی را جمعیت‌های مؤتلفه در میدان شاه مشهد با سخنرانی امیرپور، مصباح‌الهدی و محمدتقی شریعتی، در حمایت از دولت دکتر مصدق برگزار کردند.

۱۳۳۰/۳/۱۰
فتوای آیت‌ا... کلباسی در مورد ملی شدن صنعت نفت در مشهد منتشر شد. او در این فتوا از همه مردم مسلمان خواست در این امر، تعجیل و در مبارزه با دشمن استعمارگر شرکت کنند.

۱۳۳۰/۴/۲۳
مردم مشهد به مناسبت صدور قرار نخستین دادگاه لاهه اعتراض کردند. آن‌ها همچنین در یک میتینگ عمومی کفن پوشیدند و «شعار زنده‌باد شاه و زنده‌باد نخست‌وزیر» سر دادند. طبق اسناد، در این تظاهرات صدهزار نفری، مشهد تعطیل شد.

۱۳۳۰/۶/۲۰
سخنرانی شیخ محمود حلبی در اجتماع بزرگ مردم در مسجد جامع گوهرشاد و تشکر از طاهری و قرشی نمایندگان مردم، به خاطر دادن رأی اعتماد به مصدق

۱۳۳۰/۶/۲۲
جمعی از بازرگانان و نمایندگان اصناف مشهد در حمایت از دولت مصدق اجتماع کردند. آنان همچنین از نمایندگانی که قصد اخلال در کار دولت ملی را داشتند، ابراز تنفر کردند.

۱۳۳۰/۶/۲۳
تعطیلی عمومی در مشهد و اجتماع در حرم مطهر و ابراز تنفر از نمایندگان بیگانه‌پرست و اعلام حمایت از دولت دکتر مصدق

۱۳۳۰/۱۰/۳۰
تظاهرات جمعیت‌های مؤتلفه اسلامی با چراغ‌توری به‌مناسبت انحلال کنسولگری انگلستان در مشهد. در این تظاهرات، حاج‌علی اصغر عابدزاده، بنیانگذار انجمن پیروان دین نبوی، بیتی با این مضمون سرود: «باز مصدق دل دشمن شکست / لانه جاسوسی دشمن ببست.» جالب است بدانید که اینجا برای نخستین بار در تاریخ ایران است که کنسولگری کشوری به لانه جاسوسی تشبیه می‌شود؛ تشبیهی که بعدها در انقلاب ۱۳۵۷ دوباره استفاده شد.

۱۳۳۲/۵/۲۵
تظاهرات عمومی مردم مشهد به حمایت از دکتر مصدق و اعلام انزجار از کودتاچیان

۱۳۳۲/۵/۲۸
خبر سقوط کابینه دکتر مصدق از طریق رادیو پخش شد. پس از این خبر، جمعی از سلطنت‌طلبان با سر دادن شعار «زنده‌باد شاه، پاینده باد اعلی‌حضرت همایونی» دست به راهپیمایی زدند. آنان به نقاط مختلفی از جمله کفاشی شیک متعلق به حسن اخلاقی، ساختمان پان ایرانیست، کلوپ مصدق و دفتر روزنامه‌ها حمله کردند و درو پنجره‌ها را شکستند.

۱۳۳۲/۵/۲۸
اعلامیه «آیت‌ا... تقوایی خراسانی» خطاب به برادران دینی خراسان برای حفظ نظم و آرامش، تبریک و تهنیت هیئت‌های آزاد خراسان به‌مناسبت به قدرت رسیدن زاهدی و سرنگونی مصدق، منتشر شد.

۱۳۳۲/۵/۲۸
اعلام حکومت نظامی از ساعت ۹ بعدازظهر روز چهارشنبه و ممنوعیت عبورومرور از ساعت ۱۰ الی ۱۴ همان روز.

۱۳۳۲/۵/۲۹
اعلامیه شماره ۲ فرماندار نظامی مشهد مبنی بر ممنوعیت اجتماع بیش از ۳ نفر و درخواست از اصناف برای باز کردن دکان‌ها منتشر شد.

۱۳۳۲/۵/۳۰
مردم لطف‌آباد شاهرود بخشدارشان را که فردی از طرفداران مصدق بود، اخراج کردند. آنان بخشدار را بر الاغی سیاه، سوار و از شهر خارج کردند، درحالی که شعار می‌دادند: «برو به دِ مصدق بگو بیدمال بد، بیخ ریش صاحبش.»

۱۳۳۲/۶/۲
برای کشته‌شدگان ۲۸ مرداد ۳۲ در سراسر کشور، مجلس ترحیمی در مسجد گوهرشاد برگزار شد.

قصه شهر سنگستان

درباره تأثیر کودتای ۲۸ مرداد بر ادبیات معاصر

هر واقعه سیاسی که به‌نوعی در کانون توجه یک دوره یا دوره‌های مختلف تاریخی قرار می‌گیرد، بی‌تردید بر جلوه‌هایی از فرهنگ و هنر و ادبیات جامعه نیز تأثیر می‌گذارد و طبق نگاهی جدیدتر به تاریخ حتماً از آن‌ها تأثیر نیز می‌پذیرد. بیست‌وهشتم مرداد ۱۳۳۲ روزی است که یکی از مهم‌ترین وقایع سیاسی معاصر ایران در آن رقم خورده است؛ دولت دکتر محمد مصدق با همه دستاوردهای ملی بزرگ و فرازونشیب‌های سیاسی، بر اثر توطئه سرویس‌های جاسوسی کشورهای استعمارگر و عملگی خودفروختگان کوچک و بزرگ داخلی، سقوط می‌کند و سال‌ها بعد از سانسور رژیم شاه، واژه «کودتا» در توصیف این روز تلخ تاریخ معاصر در تقویم‌ها ثبت می‌شود. یکی از عرصه‌های تأثیرگذاری این واقعه مهم سیاسی، ادبیات معاصر ایران است که در آن ایام در اوج شکوفایی خود به‌سر می‌برد و اتفاقاً سیاسی‌ترین دوران خود را تجربه می‌کرد. می‌دانیم که ادبیات معاصر ایران که ...

در حالی که از همه آن‌ها جلوتر است. عشق بی‌پایان او به دکتر محمد مصدق که بعد از کودتا تبدیل به اندوهی بی‌انتها و یأسی بی‌کرانه شد و قدرت شگفت‌انگیز او در شاعری و بیان احساسات به‌زبان ادبیات دو عامل مهم بود که باعث شد بررسی شعر این شاعر با بررسی این واقعه سیاسی گره بخورد.

مهدی اخوان ثالث شعرهای «چاووشی»، «زمستان»، «سترون»، «به مهتابی که بر گورستان می‌تابید»، «باغ بی‌برگی»، «سگ‌ها و گرگ‌ها»، «شهر سنگستان»، «مشعل خاموش»، «آخر شاهنامه»، «مرداب»، «پیامی از آن سوی پایان»، «آن‌گاه پس از تندر»، «ناگه غروب کدامین ستاره» و شعرهای بسیار زیبا و تأثیرگذار دیگری را در این سه مجموعه شعر تحت تأثیر شکست و سرخوردگی شدید بر اثر کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ سرود و چنان که تا حدودی از نام همین شعرها پیداست، استعاره‌ها و نمادهای جاودانه‌ای را در عرصه شعر سیاسی ...

یوسف بینا